۱۵۹

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

من وقتی که سمعک را خاموش می‌کنم، آرامشی حس می‌کنم. شماها هم اگر ساکت باشید، خودتان فکر کنید در سکوت خودتان، آرامش و هزار مطلب حس می‌کنید.

صُمت و جوع و سهر و عزلت و ذکر به دوام
ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

یعنی کمال در درویشی این است که این مراحل را دیده باشد. خودش گاهی از سکوت که من حالا سکوت را حس می‌کنم، خوشحال هستم.

صُمت و جوع و سهر و عزلت و ذکر به دوام
ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

اینکه بگذریم برود.

***

یک کسی نامه‌ای نوشته است که نمی‌دانم فلان‌کسِ من به همه حسادت می‌کند. گو اینکه یک‌بار راجع به حسادت صحبت کردم ولی تمام نبوده و به‌علاوه تکرار آن هم عیب ندارد، به‌شرط اینکه گوش بدهید. اگر یک حرفی را گوش بدهید (از این حرف‌ها) تکرار آن عیب ندارد امّا اگر حرف بی‌معنی باشد، همان دفعه‌ی اوّلش هم زیادی است که گوش بدهید.

می‌گویند اوّلین حسادتی که در خلقت دیده شد، حسادتی بود که شیطان نسبت به خلقت حضرت آدم کرد که وقتی حضرت آدم را خداوند خواست خلق کند و خبرش را داد که من دارم خلق می‌کنم با این خصوصیّات، شیطان گفت: من که از همه‌ی مخلوقات بیشتر خدمت کردم، (به‌قولی هفتصد هزار سال چون آنوقت‌ها که سالی نبوده که صحیح بگوییم هفتاد یا هفتصد! به‌هرجهت یک مدّت طولانی) و اینقدر نزدیک هستم، خداوند می‌خواهد یک مخلوق دیگری، (آن هم از گِل! من از آتش هستم) از گِل خلق کند و او را بر من برتری داده. این موجب حسادت او شد. اوّلاً حسادت به آدم داشت، (آدم، نه ماها! با ما که رفیق است متأسّفانه) حسادت به حضرت آدم داشت و بعد این حسادت ادامه پیدا کرد و نزد او قوی شد و تبدیل به عناد در مقابل خداوند شد. البتّه «میلتون» یک کتابی نوشته که سرِ

همان کتاب، کلیسا طردش کرد. یک کتاب خیلی مشهور و خیلی مفصّل هم هست، ترجمه شده در پنج جلد به‌نظرم یا چهار جلد. من یکی، دو جلد آن را خواندم، دارم. در آنجا وقتی خدا می‌گوید که چنین و چنان که این در قرآن هم هست. شیطان می‌گوید: داری بلوف می‌زنی؟ داری به‌اصطلاح برای خودت حرف می‌زنی؟ نخیر! من از همه‌ی موجوداتی که تو بیافرینی و اصل بر این است که نسبت به تو عبادت کنند و مهربان باشند، من کاری می‌کنم که یکی‌یکی اینها را از میدان در ببرم که خداوند گفت: بله! تو به همه‌ی اینها راه خواهی داشت؛ إِلّا عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ (سوره حجر، آیه ۴۰/ سوره ص، آیه ۸۳) جز بندگان مُخلَص من. در آنجا کسی را مستثنیٰ نکرده ولی در قرآن بدون اینکه راجع به آن حرف بزند، بندگان مُخلَصش را جدا کرده. بندگان مُخلَص هم غیر از بندگان مُخلِص هستند. مُخلِص ان‌شاءالله همه‌ی ما مُخلِص هستیم. ان‌شاءالله یک‌خرده زور بزنیم، کسره‌ی «لام» مُخلِص که این زیر دارد همین را برداریم بگذاریم بالای آن، «مُخلَص» شود. البتّه بعضی‌ها می‌گویند که مُخلَص فقط پیغمبران و ائمّه هستند ولی نه! بسیاری اشخاص هستند، آخر خداوند، وارد شدنِ شیطان به داخلِ زندگی انسان را هم، دائمی نمی‌داند و همیشه توصیه می‌کند که خودتان از سیطره‌ی شیطان دربیایید و بعد هم می‌شود.

این اوّلِ حسادت است یعنی یک مقامی، یک موقعیتی که یک نفر دارد، دیگری که قبل از این موقعیت همردیف بودند. مثلاً فرض کنید دو رفیقِ هم‌نام، یکی از آنها در اداره رئیس اداره می‌شود، آن یکی دیگر نه! یعنی آن رفیق را یک‌مرتبه بالا بردند. البتّه معمولاً در حسادت هم آن شخص حسود، برای خودش یک بهانه‌ای درست می‌کند و می‌گوید که ما همه مثل هم هستیم، چطور آن بالاتر است؟ یا حتّی بعضی‌ها می‌گویند: من که از او مهمتر هستم، بهتر بلدم، چرا این مقام را به او دادند؟ به من ندادند؟ این حسادت موجب می‌شود که یک حالت کینه و دشمنی در عمق ضمیرش پیدا می‌شود. مثل یک دانه‌ی گیاهی، دانه‌ی درختی که هر جا باشد همینطور می‌اندازند، آب که به او خورد و یک‌خرده ماند و نم شد، خودش درختی می‌شود. بدون اینکه صاحب زمین یا صاحب مال، بداند که چیست. خودبه‌خود بلند می‌شود. حسادت هم اینطوری است اوّلش هیچ فهمیده نمی‌شود، بعد منتها اگر آن را علاج نکنند و توجّه به آن نکنند، خودش ریشه می‌دواند و گیاه عظیمی می‌شود. اگر این حسّ حسادت ادامه پیدا کند، آدم حسود بسیاری مقامات شیطانی پیدا می‌کند. بسیاری خصلت‌هایی که قدیم نداشته، پیدا می‌کند یعنی یک انسانی که انسان مهربانی بود، تبدیل می‌شود به یک انسان خشن. این تبدیل شدن هم در داخل و درون خودش است. کسی دیگر چون نمی‌فهمد، خیلی به آنها ضرر می‌زند یعنی شما یک دوستِ

خیلی رفیق و صمیمی دارید که از او توقّعِ همه خیرات دارید ولی در نتیجه‌ی حسادت ممکن است آن تبدیل به شقاوت بشود بدون اینکه شما بفهمید. شما کماکان به حسابِ سابق، ممکن است روی آن حساب کنید بعد می‌بینید، نه!

این حسادت و این ضرری که از حسادت به همه می‌رسد، به مردم می‌رسد، آنقدر در نظر خداوند قوی است که در سوره‌ی فلق ذکر کرده است. می‌فرماید: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (سوره فلق، آیه ۱) قسم می‌خورد به آن کسی که این روشنیِ روز را (فلق یعنی آن روشنی که پیش از طلوع آفتاب هوا روشن می‌شود، آن را می‌گویند فلق) کسی که آن را می‌پروراند، این پناه می‌برد به آن. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (سوره فلق، آیات ۲-۱) از هر شرّی که آفریده شده ولی خداوند شرّ نمی‌آفریند، خداوند همه خیر است. منتها بعضی خیراتی که خداوند آفریده، برای ما یک شرّی دارد؛ مثلاً مار. ما می‌گوییم مار شیطانی است ولی همان مار، زهرش که کشنده است، یک مقدار معیّنی از آن را در کارخانه‌ها منظّم می‌کنند و شفادهنده است. پس نمی‌شود گفت: مار دشمن ماست و بد است، نه! مار برای خودش یک آثاری دارد، یک خدمت‌هایی دارد. این کارها و صفات، بعضی وقت‌ها مزاحم ماست، ما را اذیّت می‌کند. این است که ما با او بد هستیم. حق هم داریم، آنچه به ما ضرر بزند، ما باید جلوی آن را بگیریم. به این جهت ما می‌گوییم مار حیوان بدی است، مار شرّ است و حال آنکه اینطور نیست. به‌هرجهت به خداوند پناه می‌برد. مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (سوره فلق، آیه ۲)، از شرّ آنچه آفریدی یعنی تو خودت آفریدی ولی یک جایی برای ما شرّ دارد یا همین بمب‌ها، بمب اتمی. به اتمیِ آن حالا کار نداریم ولی می‌خواهند جادّه بکشند، راهروی زیرزمینی باشد، اینها اگر با کلنگ و با عَمَله انجام بشود، سال‌ها طول می‌کشد. این مادّه‌ی انفجاری را می‌گذارند کوه منفجر می‌شود، راه باز می‌شود. همه‌ی اینها را خدا آفریده وقتی هم می‌آفرینند، منّت سر بشر می‌گذارد برای اینکه چه کسی به بشر یاد می‌دهد؟ همان فکرش که پایگاه امر الهی است. از آنجا می‌فهمند اینها را درست می‌کنند. در آن آخر می‌گوید: مِن شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَب (سوره فلق، آیات ۳-۲) پناه می‌برد به خداوند از شرّ یک حسودی، وقتی که حسد می‌کند چون حسود کسی نیست که همیشه حسود باشد. وقتی حسادت می‌کند، حسود است. از شرّ آنها پناه می‌برد.

این است که حسادت خیلی مهم است، بی‌اهمّیت نباید بگیریم یعنی اگر احساس کردیم که در دلِ ما ذرّه‌ای حسادت پیدا می‌شود، حسادت یعنی بعد از آنکه فهمیدیم یا حس کردیم که من چون بهتر از آن هستم باید به کار گماشته بشوم، یک کارها و یک اقداماتی کردیم، آن اقدامات حسودانه است. حسود وقتی که حسادت می‌کند، وقتی که اعمال شیطانی دارد، این خیلی

مهم است. خیلی احساسِ حسادت‌ها طبیعی است مثلاً در خانم‌ها بیشتر است، به ثروتِ یکی یا به زیباییِ یکی حسادت می‌کنند، ناراحت می‌شوند، نه! شما سعی کنید این را تبدیل کنید. اگر یک دوست‌تان مقامی پیدا کرد، خوشحال بشوید. بگویید همین را ممکن بود یکی دیگر بگذارند، حالا که این را گذاشتند، پس یک قدم زندگیِ دنیا به نفع ما شده بارک‌الله، الحمدلله. هر کاری می‌شود همین را بگویید و بعد بگویید: چه کسی این کار را کرده؟ من دارم حسادت می‌کنم، چه فایده؟ کسی این کار را کرده که تمامِ جهان را آفریده. پس‌فردا همه‌ی ما می‌میریم نه من می‌مانم نه او، این است که از حسادت دست بردارید.

امّا حسادت یک شعبه‌هایی دارد که گاهی اوقات مفید می‌شود چون هیچ چیزی را خدا بدون فایده نمی‌آفریند اگر حسادت همه‌اش بد باشد، خدا چرا آفرید؟ نه! یک نکات خوبی دارد. به این معنی که کسی وقتی مثلاً همین فکر را می‌کرد، فلان‌کس رئیس فلان‌جا شد و حال آنکه من از او بهتر هستم. اگر در همین جا توقّف کند، حسادت است. آن را ادامه بدهید، به این معنی که چرا او که از من پایین‌تر است، رئیس شده؟ روی این فکر کند و محاسنِ او را پیدا کند. بگوید: فهمیدم، او خیلی خوش‌زبان است، خوش‌زبانی یاد بگیرم. او درس‌خوانده و فهمیده است، من هم درس می‌خوانم. آنچه که ندارد و نقایصی که ندارد، پیدا کند و از آن راه استفاده کند. به‌هرجهت این را بدانید، خداوند هیچ کاری و هیچ خصلتی را بدون فایده، برای بشر نیافریده است. اینکه فرموده است: وَآتاكُمْ مِنْ كُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ (سوره ابراهیم، آیه ۳۴)، از هر چه خواستید به شما دادیم، یکی از چیزهایی که فطرت بشر خواسته، این است که صفا و صمیمیّت، دوستی باشد، آن هم خداوند جوابش را داده. به شرط اینکه آنچه گفته انجام بدهیم و از خداوند بخواهیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.